

مصلحت سنجی و حقیقت خواهی در ساختار نظام‌های حقوقی

غفور خونی‌نی^۱

چکیده: هرگاه سخن از اساسی‌ترین ویژگی نظام حقوقی امامیه که امروزه مبنای ملاک قوانین کشور است به میان می‌آید فوراً مقوله مصلحت و جایگاه آن به ذهن خطور می‌کند و اصطلاحاً این معنا در اندیشه آشنایان به ساختار حقوقی ما متبادر می‌گردد. زیرا فراوان در منابع احکام و آراء فقها می‌خوانیم که در مورد بارزترین نشانه‌های حقوقی ما می‌فرمایند که احکام و قوانین ما بر مصالح و مفاسد نفس الامری مبتنی می‌باشد و در تعریف و تبیین احکام پنج‌گانه تکلیفی هم مصلحت و مفاسد ملزمه را مشخصه شناخت و جوب و حرمت و غیرملزمه بودن آنها را نشان کرامت و استحباب بیان می‌دارند و همچنین معتقدند چنانچه بر آیند مصلحت و مفاسد‌های در موردی صفر بود و هیچ‌کدام بر دیگری رجحانی نداشت حکم مباحات پدید می‌آید.

بهرحال در گذراندن عمر خود در جامعه‌ای که زندگی می‌کنیم بر این نکته به خوبی واقف گشته‌ایم که هر چند احکام قوانین عبادی و شخصی اموری بسیار با ارزش در حیات دنیوی و اخروی ما هستند لکن احکام و قوانین اجتماعی در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، قضایی، و سایر حوزه‌های اجتماعی مقولاتی بسیار با اهمیت و تأثیرگذارند که چه بسا رعایت و یا عدم رعایت مصلحت‌ها در آن حکم

۱. رئیس پژوهشکده فلسفه و حقوق تطبیقی و عضو هیأت علمی گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت معلم

e-mail: khoeini-gh@saba.tmu.ac.ir

تهران

این مقاله در تاریخ ۸۶/۳/۱۶ دریافت گردید و در تاریخ ۸۶/۳/۲۰ مورد تأیید قرار گرفت.



مرگ و زندگی را در حکمیت جامعه و نظام در پی داشته باشد.
 در این نوشتار برآنیم که ضمن ارائه تعریفی دقیق از مصلحت و حقیقت ارتباط آندو
 را در ساختار نظام بیان نموده و اشتراکات و افتراقات آن را با مصالح مرسله توضیح
 دهیم.
کلید واژگان: مصلحت، سود انگاری، مصالح مرسله، مفسده، حقیقت، منفعت،
 استصلاح، مصالح مرسله

مصلحت و حقیقت

مصلحت در معنای لغوی مترادف است با معانی منفعت و سود.
 اما در معنای اصطلاحی شخصیت‌هایی چون امام محمد غزالی آن را به معنای تأمین هدف
 شارع در حوزه‌های دین، نفس، جان، عقل، عرض (آبرو) و مال دانسته‌اند.
 برخی دیگر گفته‌اند، مصلحت نوعی منفعت است که شرع آن را برای بندگانش منظور داشته
 تا اصول پنج‌گانه دین، جان، مال، عقل و نسل مردم محفوظ گردد.
 بهر حال مصلحت در نظام حقوقی ما عبارت است از علل و ملاکاتی که هدف خیر و سعادت
 بشری را تأمین کند. زیرا ساختار قوانین و احکام شریعت اسلامی بر اساس رساندن انسان به خیر و
 سعادت می‌باشد و بس. و این هدف نهایی باید توسط وضع و صدور قوانین و دستوراتی به نتیجه
 برسد که آن احکام و قوانین خصوصیت جلب مصلحت و دفع مفسده را دارا باشند. و مقصودمان
 از خیر و سعادت بشری همان تعبیر و برداشتی است که قرآن کریم آن را مطرح می‌سازد. دیدگاه
 کلامی ما هم در اصول اعتقادی موبد این معناست که عدل الهی اقتضا می‌کند که موجبات کمال
 هر موجودی از جمله اشرف موجودات انسان باید فراهم آید تا هر مستحقّی به کمال در خور خود
 نائل آید و از جمله این موجبات دستورات و قوانینی است تا او را به کمال مطلوب نائل آورد که
 نتیجه آن خیر و سعادت می‌باشد. اساس خلقت در حوزه آفرینش، تکوین و حوزه تشریح هر دو در
 راستای هم درصدد تحقق این معنایند که مقارنت و تطابق اراده تشریحی و تکوینی نتیجه قاعده
 "الواحد لا یصدر عنه الواحد" است که صحت و انطباق عقلانی آن در فلسفه اثبات شده است.
 برخی حکما این قاعده را نسبت به سایر اصول و قواعد فلسفی اصل بنیادی دانسته و آن را تحت
 عنوان "الاصل الاصل" در آثار خویش مورد بحث قرار داده‌اند.
 در دیدگاه صاحب‌نظران مکاتب حقوق غرب ملاک مصلحت را باید در نفع عمومی که

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی